

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مجموعه قوانین و مقررات تجارتی



تدوین:
مسعود قربانی لاجوانی

انتشارات چتر دانش

عنوان قراردادی	: ایران. قوانین و احکام
	.Iran. Laws, etc
عنوان و نام پدیدآور	: مجموعه قوانین و مقررات تجارتي/تدوين مسعود قربانی لاچوانی.
مشخصات نشر	: تهران: چتر دانش، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ۵۸۰ ص؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۳۸۵-۵
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیپا
موضوع	: حقوق تجارت -- ایران
موضوع	: Commercial law -- Iran
شناسه افزوده	: قربانی لاچوانی، مسعود، ۱۳۶۵
رده بندی کنگره	: KMH۹۱۴
رده بندی دیویی	: ۳۴۶/۵۵۰۷
شماره کتابشناسی ملی	: ۶۰۱۲۲۸۱

نام کتاب	: مجموعه قوانین و مقررات تجارتي
ناشر	: چتر دانش
تدوين	: مسعود قربانی لاچوانی
نوبت و سال چاپ	: دوم- ۱۳۹۹
شمارگان	: ۵۰۰
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۳۸۵-۵
قیمت	: ۳۵۰۰۰۰ تومان

فروشگاه مرکزی: تهران، میدان انقلاب، خمیري جاويد(اردیبهشت شمالي)، پلاک ۸۸

تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۹۲۳۲۷- تلفن فروشگاه کتاب: ۶۶۴۰۲۳۵۳

پست الکترونيک: nashr.chatr@gmail.com

کليه حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است.

سخن ناشر

رشته حقوق با تمام شاخه‌ها و گرایش‌هایش، به‌منزله یکی از پرطرفدارترین رشته‌های دانشگاهی کشور، تعداد فراوانی از دانشجویان علوم انسانی را به خود جلب کرده است؛ دانشجویانی که پس از تحصیل، وارد عرصه خدمت شده و در مناصب و جایگاه‌های گوناگون به ایفای وظیفه مشغول می‌شوند.

منابعی که در دانشکده‌های حقوق، مبنای کار قرار گرفته و تحصیل دانشجویان بر مدار آن‌ها قرار دارد، در واقع، مجموعه کتب و جزواتی هستند که طی سالیان متمادی چنان‌که باید تغییر نیافته و خود را با تحولات و نیازهای زمانه هماهنگ نکرده‌اند.

این، درحالی است که نیاز مبرم دانش‌پژوهان به مجموعه‌های پربار و سودمند، امری انکارناپذیر است. به این ترتیب، ضرورت تدوین کتب غنی و ارزشمند برای رفع نیازهای علمی دانشجویان رشته حقوق و نیز رشته‌های متأثر از آن، باید بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد؛ کتاب‌هایی که روزآمدی محتوای آن‌ها از یک سو و تناسب آن‌ها با نیاز دانش‌پژوهان از سوی دیگر، مورد توجه و لحاظ ناشر و نویسنده، قرار گرفته باشد.

مؤسسه آموزش عالی آزاد چتر دانش، در مقام مؤسسه‌ای پیشگام در امر نشر کتب آموزشی روزآمد و غنی، توانسته است گام‌های مؤثری در همراهی با دانشجویان رشته حقوق بردارد. این مؤسسه افتخار دارد که با بهره‌مندی از تجربیات فراوان خود و با رصد دقیق نیازهای علمی دانشجویان، به تولید آثاری همت‌گمارد که مهم‌ترین دستاورد آن‌ها، تسهیل آموزش و تسریع یادگیری پژوهندگان باشد. انتشارات چتر دانش امیدوار است با ارائه خدمات درخشان، شایستگی‌های خود را در این حوزه علمی بیش از پیش به منصه ظهور برساند.

فرزاد دانشور

مدیر مسئول انتشارات چتر دانش

فهرست

بخش نخست: قانون تجارت ۱۷

قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱/۲/۱۳ کمیسیون قوانین عدلیه با اصلاحات بعدی.... ۱۹

باب اول: تجار و معاملات تجاری..... ۱۹

باب دوم: دفاتر تجاری و دفتر ثبت تجاری ۲۰

فصل اول: دفاتر تجاری..... ۲۰

فصل دوم: دفتر ثبت تجاری..... ۲۲

باب سوم: شرکت‌های تجاری..... ۲۲

فصل اول: در اقسام مختلفه شرکت‌ها و قواعد راجعه به آنها..... ۲۲

مبحث اول: شرکت سهامی..... ۲۳

۱- کلیات ۲۳

۲- تشکیل شرکت..... ۲۵

۳- مدیرهای شرکت و وظایف آنها..... ۲۸

۴- مفتشین شرکت و وظایف آنها..... ۳۰

۵- مجمع عمومی شرکت..... ۳۱

۶- در تبدیل سهام..... ۳۳

۷- بطلان شرکت و یا بطلان اعمال و تصمیمات آن..... ۳۴

۸- مقررات جزایی..... ۳۵

۹- در انحلال شرکت..... ۳۶

مبحث دوم: شرکت با مسئولیت محدود..... ۳۶

مبحث سوم: شرکت تضامنی..... ۳۹

مبحث چهارم: در شرکت مختلط غیرسهامی..... ۴۳

مبحث پنجم: شرکت مختلط سهامی..... ۴۷

مبحث ششم: شرکت نسبی..... ۴۹

مبحث هفتم: شرکت‌های تعاونی تولید و مصرف..... ۵۰

فصل دوم: در مقررات راجعه به ثبت شرکت‌ها و نشر شرکت‌نامه‌ها..... ۵۱

فصل سوم: در تصفیه امور شرکت‌ها..... ۵۲

فصل چهارم: مقررات مختلفه..... ۵۴

۵۵.....	باب چهارم: برات- فته‌طلب- چک
۵۵.....	فصل اول: برات
۵۵.....	مبحث اول: صورت برات
۵۶.....	مبحث دوم: در قبول و نکول
۵۷.....	مبحث سوم: در قبولی شخص ثالث
۵۸.....	مبحث چهارم: در وعده برات
۵۸.....	مبحث پنجم: ظهرنویسی
۵۸.....	مبحث ششم: مسئولیت
۵۹.....	مبحث هفتم: در پرداخت
۶۱.....	مبحث هشتم: تأدیه وجه برات به واسطه شخص ثالث
۶۲.....	مبحث نهم: حقوق و وظایف دارنده برات
۶۴.....	مبحث دهم: در اعتراض (پروتست)
۶۶.....	مبحث یازدهم: برات رجوعی
۶۷.....	مبحث دوازدهم: قوانین خارجی
۶۷.....	فصل دوم: در فته‌طلب
۶۸.....	فصل سوم: چک
۶۹.....	فصل چهارم: در مرور زمان
۶۹.....	باب پنجم: اسناد در وجه حامل
۷۱.....	باب ششم: دلالتی
۷۱.....	فصل اول: کلیات
۷۳.....	فصل دوم: اجرت دلال و مخارج
۷۴.....	فصل سوم: دفتر
۷۴.....	باب هفتم: حق‌العمل‌کاری (کمسیون)
۷۷.....	باب هشتم: قرارداد حمل و نقل
۸۰.....	باب نهم: قائم‌مقام تجارتي و سایر نمایندگان تجارتي
۸۱.....	باب دهم: ضمانت
۸۲.....	باب یازدهم: در ورشکستگی

۸۲	فصل اول: در کلیات
۸۲	فصل دوم: در اعلان ورشکستگی و اثرات آن
۸۴	فصل سوم: در تعیین عضو ناظر
۸۵	فصل چهارم: در اقدام به مهر و موم و سایر اقدامات اولیه نسبت به ورشکسته
۸۶	فصل پنجم: در مدیر تصفیه
۸۶	فصل ششم: در وظایف مدیر تصفیه
۸۶	مبحث اول: در کلیات
۸۸	مبحث دوم: در رفع توقیف و ترتیب صورت دارایی
۸۹	مبحث سوم: در فروش اموال و وصول مطالبات
۸۹	مبحث چهارم: در اقدامات تأمینیه
۹۰	مبحث پنجم: در تشخیص مطالبات طلبکارها
۹۲	فصل هفتم: در قرارداد ارفاقی و تصفیه حساب تاجر ورشکسته
۹۲	مبحث اول: در دعوت طلبکارها و مجمع عمومی آنها
۹۳	مبحث دوم: در قرارداد ارفاقی
۹۳	فقره اول: در ترتیب قرارداد ارفاقی
۹۴	فقره دوم: در اثرات قرارداد ارفاقی
۹۵	فقره سوم: در ابطال یا فسخ قرارداد ارفاقی
۹۷	مبحث سوم: در تفریغ حساب و ختم عمل ورشکستگی
۹۹	فصل هشتم: در اقسام مختلفه طلبکارها و حقوق هر یک از آنها
۹۹	مبحث اول: در طلبکارهایی که رهینه منقول دارند
۹۹	مبحث دوم: در طلبکارهایی که نسبت به اموال غیرمنقول حق تقدم دارند
۱۰۰	فصل نهم: در تقسیم بین طلبکارها و فروش اموال منقول
۱۰۱	فصل دهم: در دعوی استرداد
۱۰۳	فصل یازدهم: در طرق شکایت از احکام صادره راجع به ورشکستگی
۱۰۴	باب دوازدهم: در ورشکستگی به تقصیر و ورشکستگی به تقلب
۱۰۴	فصل اول: در ورشکستگی به تقصیر
۱۰۵	فصل دوم: در ورشکستگی به تقلب

فصل سوم: در جنبه و جنایاتی که اشخاص غیر از تاجر ورشکسته در امر ورشکستگی	۱۰۶
فصل چهارم: در اداره کردن اموال تاجر ورشکسته در صورت ورشکستگی به تقصیر	۱۰۷
باب سیزدهم: در اعاده اعتبار	۱۰۷
باب چهاردهم: اسم تجاری	۱۰۹
باب پانزدهم: شخصیت حقوقی	۱۱۰
فصل اول: اشخاص حقوقی	۱۱۰
فصل دوم: حقوق و وظائف و اقامتگاه و تابعیت شخص حقوقی	۱۱۱
باب شانزدهم: مقررات نهایی	۱۱۱

بخش دوم: شرکت های تجاری..... ۱۱۳

لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷/۱۲/۲۴ با	
اصلاحات بعدی	۱۱۵
مبحث اول: شرکت های سهامی	۱۱۵
بخش اول: تعریف و تشکیل شرکت سهامی	۱۱۵
بخش دوم: سهام	۱۲۲
بخش سوم: تبدیل سهام	۱۲۶
بخش چهارم: اوراق قرضه	۱۲۸
بخش پنجم: مجامع عمومی	۱۳۲
بخش ششم: هیأت مدیره	۱۳۹
بخش هفتم: بازرسان	۱۴۷
بخش هشتم: تغییرات در سرمایه شرکت	۱۴۹
بخش نهم: انحلال و تصفیه	۱۵۹
بخش دهم: حساب های شرکت	۱۶۶
بخش یازدهم: مقررات جزائی	۱۶۸
بخش دوازدهم: مقررات مختلف مربوط به شرکت های سهامی	۱۷۷
قانون شرکت های تعاونی مصوب ۱۳۵۰/۳/۱۶ با اصلاحات بعدی	۱۸۷

فصل اول: تعاریف	۱۸۷
فصل دوم: کلیات	۱۸۸
فصل سوم: تشکیل و ثبت شرکت‌های تعاونی	۱۹۲
فصل چهارم: مجمع عمومی	۱۹۶
فصل پنجم: هیأت مدیره	۲۰۱
فصل ششم: بازرسان	۲۰۴
فصل هفتم: اتحادیه‌های تعاونی	۲۰۶
فصل هشتم: اعتبارات تعاونی	۲۰۹
فصل نهم: شرکت‌های تعاونی کشاورزی و روستایی	۲۱۱
فصل دهم: شرکت‌های تعاونی صیادان	۲۱۳
فصل یازدهم: شرکت‌های تعاونی مصرف‌کنندگان	۲۱۴
فصل دوازدهم: شرکت‌های تعاونی مسکن	۲۱۵
فصل سیزدهم: شرکت‌های تعاونی اعتبار	۲۱۶
فصل چهاردهم: شرکت‌های تعاونی آموزشگاه‌ها	۲۱۷
فصل پانزدهم: شرکت‌های تعاونی کار	۲۱۸
فصل شانزدهم: شرکت‌های تعاونی صاحبان حرفه‌ها و صنایع دستی	۲۱۸
فصل هفدهم: شرکت‌های تعاونی صنایع کوچک و تهیه و توزیع و صاحبان مشاغل آزاد	۲۱۸
فصل هجدهم: ادغام	۲۱۹
فصل نوزدهم: مالیات شرکت‌های تعاونی	۲۲۲
فصل بیستم: زیان، انحلال و تصفیه شرکت‌ها و اتحادیه‌های تعاونی	۲۲۴
فصل بیست‌ویکم: مجازات‌ها	۲۲۶
فصل بیست‌ودوم: وظایف وزارت تعاون و امور روستاها در مورد شرکت‌ها و سازمان‌های تعاونی	۲۲۷
فصل بیست‌وسوم: تشکیلات و نظام تعاونی کشور	۲۲۹
فصل بیست‌وچهارم: حسابرسی شرکت‌ها و	۲۳۱

۲۳۱اتحادیه‌های تعاونی
۲۳۲فصل بیست‌وپنجم: مقررات مختلف
۲۳۴قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۰/۶/۱۳ با اصلاحات بعدی
۲۳۴فصل اول: اهداف و ضوابط کلی بخش تعاونی
۲۳۵فصل دوم: عضو
۲۳۷فصل سوم: سرمایه
۲۴۰فصل چهارم: حساب سود و زیان و تقسیم سود و سایر مقررات مالی
۲۴۱فصل پنجم: تعاونی‌های تولید و توزیع
۲۴۱فصل ششم: ارکان تعاونی‌ها
۲۴۱بخش اول: مجمع عمومی
۲۴۴بخش دوم: هیأت مدیره
۲۴۷بخش سوم: بازرسی
۲۴۸فصل هفتم: اتحادیه تعاونی
۲۵۱فصل هشتم: تشکیل و ثبت تعاونی‌ها
۲۵۱فصل نهم: ادغام، انحلال و تصفیه
۲۵۲بخش دوم: انحلال و تصفیه
۲۵۳فصل دهم: ائتاق تعاون
۲۵۸فصل یازدهم: وزارت تعاون
۲۶۱فصل دوازدهم: سایر مقررات
۲۶۵قانون تفسیر قانونی در خصوص مستثنی شدن سازمان مرکزی تعاون روستایی از شمول قانون بخش تعاون اقتصاد جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۱/۶/۴
۲۶۶قانون استفاده از خدمات تخصصی و حرفه‌ای حسابداران ذی‌صلاح به عنوان حسابدار رسمی مصوب ۱۳۷۲/۱۰/۲۱
۲۶۸قانون راجع به ثبت شرکت‌ها مصوب ۱۳۱۰/۳/۲ با اصلاحات بعدی
۲۷۳قانون اجازه ثبت شعبه یا نمایندگی شرکت‌های خارجی مصوب ۱۳۷۶/۰۸/۲۱

بخش سوم: اسناد تجارتي و اوراق بهادار..... ۲۷۵

قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵/۴/۱۶ با اصلاحات و الحاقات ۱۳۷۲، ۱۳۸۲ و ۱۳۹۷..... ۲۷۷

بخشنامه صادره از بانک مركزي در خصوص شرايط صدور و استفاده از چك‌هاي تضمين شده مورخ ۱۳۹۷/۹/۱۱..... ۲۹۱

قانون چك تضمين شده مصوب ۱۳۳۷/۴/۲۲..... ۲۹۳

قانون استفساريه تبصره الحاق به ماده ۲ قانون اصلاح موادي از قانون صدور چك مصوب ۱۳۷۶/۳/۱۰ مجمع تشخيص مصلحت نظام..... ۲۹۴

موادي از آيين‌نامه اجرائي مفاد اسناد رسمي لازم‌الاجراء و طرز رسيدگي به شكايات از عمليات اجرائي سازمان ثبت اسناد و املاك كشور مصوب ۱۳۸۷/۶/۱۱..... ۲۹۵

قانون بازار اوراق بهادار جمهوري اسلامي ايران مصوب ۱۳۸۴/۹/۱..... ۲۹۷

فصل اول: تعاريف و اصطلاحات..... ۲۹۷

فصل دوم: ارکان بازار اوراق بهادار..... ۳۰۰

فصل سوم: بازار اوليه..... ۳۰۶

فصل چهارم: بازار ثانويه..... ۳۰۸

فصل پنجم: اطلاع رسانی در بازارهای اوليه و ثانويه..... ۳۱۰

فصل ششم: جرایم و مجازات‌ها..... ۳۱۱

فصل هفتم: مقررات متفرقه..... ۳۱۴

قانون نحوه انتشار اوراق مشاركت مصوب ۱۳۷۶/۶/۳۰..... ۳۱۶

قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید به منظور تسهیل اجراء سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی مصوب ۱۳۸۸/۹/۲۵..... ۳۲۱

بخش چهارم: ورشكستگی..... ۳۲۹

قانون اداره تصفيه امور ورشكستگی مصوب ۱۳۱۸/۴/۲۴..... ۳۳۱

- مبحث اول: سازمان اداره تصفیه..... ۳۳۱
- مبحث دوم: اقدامات تأمینی اداره تصفیه..... ۳۳۲
- مبحث سوم: دعوت بستانکاران..... ۳۳۴
- مبحث چهارم: اداره اموال..... ۳۳۵
- مبحث پنجم: رسیدگی به مطالبات..... ۳۳۶
- مبحث ششم: تصفیه..... ۳۳۷
- مبحث هفتم: تقسیم وجوه حاصله از فروش..... ۳۳۹
- مبحث هشتم: خاتمه ورشکستگی..... ۳۴۰
- مبحث نهم: مقررات مالی..... ۳۴۰
- مبحث دهم: مقررات مخصوص..... ۳۴۱

بخش پنجم: مالکیت‌های فکری..... ۳۴۲

- قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶/۸/۷.. ۳۴۵
- فصل اول: اختراعات..... ۳۴۵
- فصل دوم: طرح‌های صنعتی..... ۳۵۴
- فصل سوم: علائم، علائم جمعی و نام‌های تجاری..... ۳۵۷
- فصل چهارم: مقررات عمومی..... ۳۶۱
- قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای مصوب ۱۳۷۹/۱۰/۴..... ۳۶۶
- قانون حمایت از شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان و تجاری‌سازی نوآوری‌ها و اختراعات مصوب ۱۳۸۹/۸/۵..... ۳۶۹

بخش ششم: بانک و بیمه..... ۳۷۳

- فصل نخست: بانک..... ۳۷۵**
- قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱/۴/۱۸ با اصلاحات بعدی..... ۳۷۵
- قسمت اول: پول..... ۳۷۵
- قسمت دوم: بانک مرکزی ایران..... ۳۷۹
- فصل اول: کلیات..... ۳۷۹

۳۸۰	فصل دوم: وظایف و اختیارات
۳۸۳	فصل سوم: ارکان
۳۸۳	بخش اول: مجمع عمومی
۳۸۴	بخش دوم: شورای پول و اعتبار
۳۸۶	بخش سوم: هیأت عامل
۳۸۸	بخش چهارم: هیأت نظارت اندوخته اسکناس
۳۸۹	بخش پنجم: هیأت نظار
۳۹۰	فصل چهارم: مقررات عمومی
۳۹۲	قسمت سوم: بانکداری
۳۹۲	فصل اول: شرایط تأسیس بانک
۳۹۴	فصل دوم: شرایط و نحوه فعالیت بانکها
۳۹۶	فصل سوم: ترتیب انحلال و ورشکستگی بانکها
۳۹۸	فصل چهارم: مقررات کیفی و انتظامی
۴۰۰	قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره) مصوب ۱۳۶۲/۶/۸ با اصلاحات بعدی
۴۰۰	فصل اول: اهداف و وظایف نظام بانکی در جمهوری اسلامی ایران
۴۰۱	فصل دوم: تجهیز منابع پولی
۴۰۲	فصل سوم: تسهیلات اعطایی بانکی
۴۰۵	فصل چهارم: بانک مرکزی ایران و سیاست پولی
۴۰۶	فصل پنجم: متفرقه
۴۰۸	فصل دوم: بیمه
۴۰۸	قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶/۲/۷
۴۰۸	معاملات بیمه
۴۰۹	فسخ و بطلان
۴۱۲	مسئولیت بیمه‌گر
	قانون تأسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه‌گری مصوب ۱۳۵۰/۳/۳۰ با اصلاحات بعدی
۴۱۵	بخش اول: بیمه مرکزی ایران

۴۱۵.....	قسمت اول: تشکیل و موضوع.....
۴۱۵.....	قسمت دوم: وظایف و اختیارات.....
۴۱۶.....	قسمت سوم: ارکان بیمه مرکزی ایران.....
۴۱۶.....	فصل اول: مجمع عمومی.....
۴۱۷.....	فصل دوم: شورای عالی بیمه.....
۴۱۹.....	فصل سوم: هیأت عامل.....
۴۲۰.....	فصل چهارم: بازرسان.....
۴۲۰.....	قسمت چهارم: مقررات مختلف.....
۴۲۲.....	بخش دوم: بیمه‌گری.....
۴۲۲.....	قسمت اول: مؤسسات بیمه.....
۴۲۲.....	فصل اول: کلیات.....
۴۲۳.....	فصل دوم: صدور پروانه.....
۴۲۴.....	فصل سوم: ابطال پروانه.....
۴۲۵.....	فصل چهارم: مقررات مربوط به مؤسسات بیمه خارجی.....
۴۲۷.....	قسمت دوم: انحلال و ورشکستگی.....
۴۲۷.....	قسمت سوم: انتقال عملیات و ادغام.....
۴۲۸.....	قسمت چهارم: مقررات مختلف.....
۴۳۳.....	بخش هفتم: سایر قوانین.....
۴۳۵.....	قانون دאوری تجاری بین‌المللی مصوب ۱۳۷۶/۶/۲۶.....
۴۳۵.....	فصل اول: مقررات عمومی.....
۴۳۷.....	فصل دوم: موافقتنامه دآوری.....
۴۳۸.....	فصل سوم: ترکیب هیأت دآوری.....
۴۴۱.....	فصل چهارم: صلاحیت «دآور».....
۴۴۲.....	فصل پنجم: نحوه رسیدگی دآوری.....
۴۴۵.....	فصل ششم: ختم رسیدگی و صدور رای.....
۴۴۷.....	فصل هفتم: اعتراض به رای.....
۴۴۸.....	فصل هشتم: اجرای رای.....

۴۴۹	فصل نهم: سایر مقررات
۴۵۰	قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۱۷
۴۵۰	باب اول: مقررات عمومی
۴۵۰	مبحث اول: در کلیات
۴۵۰	فصل اول: قلمرو و شمول قانون
۴۵۰	فصل دوم: تعاریف
۴۵۲	فصل سوم: تفسیر قانون
۴۵۳	فصل چهارم: اعتبار قراردادهای خصوصی
۴۵۳	مبحث دوم: در احکام «داده‌پیام» نوشته، امضاء اصل
۴۵۴	مبحث سوم: «داده‌پیام» مطمئن
۴۵۴	فصل اول: امضاء و سابقه الکترونیکی مطمئن
۴۵۴	فصل دوم: پذیرش، ارزش اثباتی و آثار سابقه و
۴۵۴	امضای الکترونیکی مطمئن
۴۵۵	مبحث چهارم: مبادله «داده‌پیام»
۴۵۵	فصل اول: اعتبار قانونی ارجاع در «داده‌پیام»، عقد و اراده طرفین
۴۵۵	فصل دوم: انتساب «داده‌پیام»
۴۵۶	فصل سوم: تصدیق دریافت
۴۵۷	فصل چهارم: زمان و مکان ارسال و دریافت «داده‌پیام»
۴۵۸	باب دوم: دفاتر خدمات صدور گواهی الکترونیکی
۴۵۸	باب سوم: در قواعد مختلف
۴۵۸	مبحث اول: حمایت‌های انحصاری در بستر مبادلات الکترونیکی
۴۵۸	فصل اول: حمایت از مصرف‌کننده
۴۵۸	(Consumer Protection)
۴۶۱	فصل دوم: در قواعد تبلیغ (Marketing)
۴۶۲	فصل سوم: حمایت از «داده‌پیام»‌های شخصی
۴۶۲	(حمایت از داده - Data Protection)
۴۶۳	مبحث دوم: حفاظت از «داده‌پیام» در بستر

۴۶۳ مبادلات الکترونیکی
۴۶۳ فصل اول: حمایت از حقوق مؤلف
۴۶۳ (Author,s Right/Copyright)
۴۶۳ در بستر مبادلات الکترونیکی
۴۶۴ فصل دوم: حمایت از اسرار تجاری (Trade Secrets)
۴۶۵ فصل سوم: حمایت از علائم تجاری
۴۶۵ (Trade Names)
۴۶۵ باب چهارم: جرایم و مجازات‌ها
۴۶۵ مبحث اول: کلاهبرداری کامپیوتری
۴۶۶ مبحث دوم: جعل کامپیوتری
۴۶۶ مبحث سوم: نقض حقوق انحصاری در بستر مبادلات الکترونیک
۴۶۶ فصل اول: نقض حقوق مصرف‌کننده و قواعد تبلیغ
۴۶۷ فصل دوم: نقض حمایت از «داده‌پیام»‌های شخصی؛ حمایت از داده
۴۶۷ مبحث چهارم: نقض حفاظت از «داده‌پیام» در بستر مبادلات الکترونیکی
۴۶۷ فصل اول: نقض حق مولف
۴۶۸ فصل دوم: نقض اسرار تجاری
۴۶۸ فصل سوم: نقض علائم تجاری
۴۶۸ فصل چهارم: سایر
۴۶۸ باب پنجم: جبران خسارت
۴۶۹ باب ششم: متفرقه
۴۷۱ قانون راجع به دلان مصوب ۱۳۱۷/۱۲/۷
۴۷۴ قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی مصوب ۱۳۸۰/۱۲/۱۹
۴۷۴ فصل اول: تعاریف
۴۷۵ فصل دوم: شرایط عمومی پذیرش سرمایه خارجی
۴۷۶ فصل سوم: مراجع ذیصلاح
۴۷۷ فصل چهارم: تضمین و انتقال سرمایه خارجی
۴۷۸ فصل پنجم: مقررات پذیرش، ورود و خروج سرمایه خارجی

فصل ششم: حل و فصل اختلافات.....	۴۸۰
فصل هفتم: مقررات نهایی.....	۴۸۰
قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار مصوب ۱۳۹۰/۱۱/۱۶.....	۴۸۲
قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی مصوب ۱۳۸۷/۳/۲۵ با اصلاحات بعدی.....	۴۹۴
فصل اول: تعاریف.....	۴۹۴
فصل دوم: قلمرو فعالیت‌های هر یک از بخش‌های دولتی، تعاونی و خصوصی.....	۴۹۶
فصل سوم: سیاست‌های توسعه بخش تعاون.....	۵۰۹
فصل چهارم: ساماندهی شرکت‌های دولتی.....	۵۱۳
فصل پنجم: فرآیند واگذاری بنگاه‌های دولتی.....	۵۱۵
فصل ششم: توزیع سهام عدالت.....	۵۲۷
فصل هفتم: هیأت واگذاری و وظایف آن.....	۵۲۹
فصل هشتم: شورای عالی اجراء سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی و وظایف آن.....	۵۳۱
فصل نهم: تسهیل رقابت و منع انحصار.....	۵۳۲
فصل دهم: مواد متفرقه.....	۵۵۱
قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد مصوب ۱۳۹۰/۸/۷.....	۵۵۵
فصل اول: تعاریف و اشخاص مشمول.....	۵۵۵
فصل دوم: تکالیف دستگاه‌ها در پیشگیری از مفاسد اداری.....	۵۵۶
فصل سوم: تکالیف عمومی.....	۵۶۵
ماده ۱۵ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۳/۷/۱۵..	۵۷۳
بند ب ماده ۲۸ قانون رفع موانع تولید رقابت پذیر و ارتقای نظام مالی کشور مصوب ۱۳۹۴/۲/۱.....	۵۷۴
موادی از قانون برنامه پنجم توسعه مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۵.....	۵۷۵
بخشنامه بانک مرکزی در خصوص الزامات و تکالیف جدید ناظر بر قانون صدور چک مورخ ۹۹/۹/۱۹.....	۵۷۷

بخش نخست

قانون تجارت

قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱/۲/۱۳ کمیسیون قوانین عدلیه با اصلاحات بعدی

باب اول: تجار و معاملات تجاری

ماده ۱- تاجر کسی است که شغل معمولی خود را معاملات تجاری قرار بدهد.

ماده ۲- معاملات تجاری از قرار ذیل است:

۱- خرید یا تحصیل هر نوع مال منقول به قصد فروش یا اجاره اعم از اینکه تصرفاتی در آن شده یا نشده باشد.

۲- تصدی به حمل و نقل از راه خشکی یا آب یا هوا به هر نحوی که باشد.

۳- هر قسم عملیات دلالی یا حق العمل کاری (کمیسیون) و یا عاملی و همچنین تصدی به هر نوع تأسیساتی که برای انجام بعضی امور ایجاد می شود از قبیل تسهیل معاملات ملکی یا پیدا کردن خدمه یا تهیه و رسانیدن ملزومات و غیره.

۴- تأسیس و به کار انداختن هر قسم کارخانه مشروط بر اینکه برای رفع حوائج شخصی نباشد.

۵- تصدی به عملیات حراجی.

۶- تصدی به هر قسم نمایشگاه های عمومی.

۷- هر قسم عملیات صرافی و بانکی.

۸- معاملات برواتی اعم از اینکه بین تاجر یا غیر تاجر باشد.

۹- عملیات بیمه بحری و غیر بحری.

۱۰- کشتی سازی و خرید و فروش کشتی و کشتیرانی داخلی یا خارجی و معاملات راجعه به آنها.

ماده ۳- معاملات ذیل به اعتبار تاجر بودن متعاملین یا یکی از آنها تجاری محسوب می شود:

۱- کلیه معاملات بین تجار و کسبه و صرافان و بانکها.

۲- کلیه معاملاتی که تاجر یا غیر تاجر برای حوائج تجاری خود می نماید.

- ۳- کلیه معاملاتی که اجزاء یا خدمه یا شاگرد تاجر برای امور تجاری ارباب خود می‌نماید.
- ۴- کلیه معاملات شرکت‌های تجاری.
- ماده ۴- معاملات غیرمنقول به هیچ وجه تجاری محسوب نمی‌شود.
- ماده ۵- کلیه معاملات تاجر تجاری محسوب است مگر اینکه ثابت شود معامله مربوط به امور تجاری نیست.

باب دوم: دفاتر تجاری و دفتر ثبت تجاری

فصل اول: دفاتر تجاری

ماده ۶- هر تاجری به استثنای کسبه جزء مکلف است دفاتر ذیل یا دفاتر دیگری را که وزارت عدلیه به موجب نظامنامه قائم مقام این دفاتر قرار می‌دهد داشته باشد:

۱- دفتر روزنامه.

۲- دفتر کل

۳- دفتر دارایی.

۴- دفتر کپی.

ماده ۷- دفتر روزنامه دفتری است که تاجر باید همه روزه مطالبات و دیون و داد و ستد تجاری و معاملات راجع به اوراق تجاری (از قبیل خرید و فروش و ظهرنویسی) و به طور کلی جمیع واردات و صادرات تجاری خود را به هر اسم و رسمی که باشد و وجوهی را که برای مخارج شخصی خود برداشت می‌کند در آن دفتر ثبت نماید.

ماده ۸- دفتر کل دفتری است که تاجر باید کلیه معاملات را لااقل هفته‌ای یک مرتبه از دفتر روزنامه استخراج و انواع مختلفه آن را تشخیص و جدا کرده هر نوعی را در صفحه مخصوصی در آن دفتر به طور خلاصه ثبت کند.

ماده ۹- دفتر دارایی دفتری است که تاجر باید هر سال صورت جامعی از کلیه دارایی منقول و غیرمنقول و دیون و مطالبات سال گذشته خود را به ریز ترتیب داده در آن دفتر ثبت و امضاء نماید و این کار باید تا پانزدهم فروردین

سال بعد انجام پذیرد.

ماده ۱۰- دفتر کپیبه دفتری است که تاجر باید کلیه مراسلات و مخابرات و صورت حساب‌های صادره خود را در آن به ترتیب تاریخ ثبت نماید.

تبصره- تاجر باید کلیه مراسلات و مخابرات و صورت حساب‌های وارده را نیز به ترتیب تاریخ ورود مرتب نموده و در لفاف مخصوصی ضبط کند.

ماده ۱۱- دفاتر مذکور در ماده ۶ به استثناء دفتر کپیبه قبل از آنکه در آن چیزی نوشته شده باشد به توسط نماینده اداره ثبت (که مطابق نظامنامه وزارت عدلیه معین می‌شود) امضاء خواهد شد. برای دفتر کپیبه امضاء مزبور لازم نیست. ولی باید اوراق آن دارای نمره ترتیبی باشد. در موقع تجدید سالیانه هر دفتر، مقررات این ماده رعایت خواهد شد. حق امضاء از قرار هر صد صفحه یا کسور آن دو ریال و به علاوه مشمول ماده (۱۳۵) قانون ثبت اسناد است.

ماده ۱۲- دفتری که برای امضاء به متصدی امضاء تسلیم می‌شود باید دارای نمره ترتیبی و قیطان کشیده باشد و متصدی امضاء مکلف است صفحات دفتر را شمرده در صفحه اول و آخر هر دفتر مجموع عدد صفحات آن را با تصریح به اسم و رسم صاحب دفتر نوشته با قید تاریخ امضاء و دو طرف قیطان را با مهر سربی که وزارت عدلیه برای این مقصود تهیه می‌نماید، منگنه کند. لازم است کلیه اعداد حتی تاریخ با تمام حروف نوشته شود.

ماده ۱۳- کلیه معاملات و صادرات و واردات در دفاتر مذکوره فوق باید به ترتیب تاریخ در صفحات مخصوصه نوشته شود. تراشیدن و حک کردن و همچنین جای سفید گذاشتن بیش از آنچه که در دفترنویسی معمول است و در حاشیه و یا بین سطور نوشتن ممنوع است و تاجر باید تمام آن دفاتر را از ختم هر سالی لااقل تا ده سال نگاه دارد.

ماده ۱۴- دفاتر مذکور در ماده ۶ و سایر دفاتری که تجار برای امور تجاری خود به کار می‌برند در صورتی که مطابق مقررات این قانون مرتب شده باشد بین تجار، در امور تجاری سندیت خواهد داشت و در غیر این صورت فقط بر علیه صاحب آن معتبر خواهد بود.

ماده ۱۵- تخلف از ماده ۶ و ماده ۱۱ مستلزم ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) تا

شصت میلیون (۶۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال^۱ جزای نقدی است. این مجازات را محکمه حقوق رأساً و بدون تقاضای مدعی العموم می‌تواند حکم بدهد و اجرای آن، مانع اجرای مقررات راجع به تاجر ورشکسته که دفتر مرتب ندارد نخواهد بود.

فصل دوم: دفتر ثبت تجاری

ماده ۱۶- در نقاطی که وزارت عدلیه مقتضی دانسته و دفتر ثبت تجاری تأسیس کند، کلیه اشخاصی که در آن نقاط به شغل تجارت اشتغال دارند اعم از ایرانی و خارجی به استثناء کسبه جزء باید در مدت مقرر اسم خود را در دفتر ثبت تجاری به ثبت برسانند و الا به جزای نقدی از ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) تا شصت میلیون (۶۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال^۲ محکوم خواهند شد.

ماده ۱۷- مقررات مربوط به دفتر ثبت تجاری را وزارت عدلیه با تصریح به موضوعاتی که باید به ثبت برسد به موجب نظامنامه معین خواهد کرد.

ماده ۱۸- شش ماه پس از الزامی شدن ثبت تجاری هر تاجری که مکلف به ثبت است باید در کلیه اسناد و صورت حسابها و نشریات خطی یا چاپی خود در ایران تصریح نماید که در تحت چه نمره به ثبت رسیده و الا علاوه بر مجازات مقرر در فوق به جزای نقدی از ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) تا شصت میلیون (۶۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال^۳ محکوم می‌شود.

ماده ۱۹- کسبه جزء مذکور در این فصل و فصل اول مطابق مقررات نظامنامه وزارت عدلیه تشخیص می‌شوند.

باب سوم: شرکت‌های تجاری

فصل اول: در اقسام مختلفه شرکت‌ها و قواعد راجعه به آنها

ماده ۲۰- شرکت‌های تجاری بر هفت قسم است:

۱- شرکت سهامی.

۱- اصلاحی ۱۳۹۹/۱۱/۰۸

۲- اصلاحی ۱۳۹۹/۱۱/۰۸

۳- اصلاحی ۱۳۹۹/۱۱/۰۸

- ۲- شرکت با مسئولیت محدود.
- ۳- شرکت تضامنی.
- ۴- شرکت مختلط غیرسهامی.
- ۵- شرکت مختلط سهامی.
- ۶- شرکت نسبی.
- ۷- شرکت تعاونی تولید و مصرف.

مبحث اول: شرکت سهامی

۱- کلیات

ماده ۲۱- شرکت سهامی، شرکتی است که برای امور تجاری تشکیل و سرمایه آن به سهام تقسیم شده و مسئولیت صاحبان سهام محدود به سهام آنها است.

ماده ۲۲- در اسم شرکت سهامی نام هیچ‌یک از شرکاء قید نخواهد شد. در اسم شرکت باید کلمه (سهامی) قید شود.

ماده ۲۳- سهام ممکن است با اسم یا بی‌اسم باشد.

ماده ۲۴- سهام بی‌اسم به صورت سند در وجه حامل مرتب و دارنده آن مالک شناخته می‌شود، مگر آنکه خلاف آن قانوناً ثابت گردد. نقل و انتقال این نوع سهام به قبض و اقباض به عمل می‌آید.

ماده ۲۵- انتقال سهام با اسم باید در دفتر شرکت به ثبت برسد. صاحب سهم باید شخصاً یا به توسط وکیل، انتقال را در دفتر شرکت تصدیق و امضا نماید.

ماده ۲۶- سهام ممکن است نقدی باشد یا غیرنقدی. سهام غیرنقدی سهامی است که در ازاء آن به جای وجه نقد چیز دیگری از قبیل کارخانه و امتیازنامه و غیره داده شود.

ماده ۲۷- قیمت سهام و همچنین قیمت قطعات سهام (در صورت تجزیه) متساوی خواهد بود.

ماده ۲۸- در صورتی که سرمایه شرکت‌های سهامی از دویست هزار ریال

تجاوز نکنند، سهام یا قطعات سهام نباید کمتر از پنجاه ریال باشد و هرگاه سرمایه زائد بر دویست هزار ریال باشد، سهام و قطعات سهام کمتر از یک صد ریال نخواهد بود.

ماده ۲۹- مادام که شرکت سهامی تشکیل نشده سهام یا تصدیق موقتی (اعم از با اسم یا بی اسم) نمی‌توان صادر کرد، هر سهم یا تصدیق موقتی که قبل از تشکیل شرکت به کسی داده شده باشد، باطل و صادرکنندگان متضامناً مسئول خساراتی هستند که به دارندگان این قبیل اوراق وارد شده است. تا زمانی که پنجاه درصد قیمت اسمی سهام تأدیه نشده، نمی‌توان سهام بی اسم یا تصدیق موقتی بی اسم انتشار داد.

ماده ۳۰- کسانی که تعهد اتباع سهام کرده‌اند، تا موقعی که پنجاه درصد قیمت اسمی سهام خود را نپرداخته‌اند، مسئول تأدیه بقیه قیمت آن خواهند بود، اگر چه سهام خود را به دیگری منتقل کرده و منتقل‌الیه نیز پرداخت بقیه را تعهد کرده باشد.

ماده ۳۱- بعد از تأدیه پنجاه درصد نیز کسی که تعهد اتباع سهمی را کرده است، از تأدیه بقیه قیمت آن بری نخواهد بود، مگر اینکه اساسنامه شرکت آن را تجویز کرده باشد که در این صورت منتقل‌الیه مسئول تأدیه آن بقیه است.

ماده ۳۲- هر کس تعهد اتباع سهامی را کرده و در موعد مقرر وجه تعهد شده را نپردازد، علاوه بر آن وجه، به خسارات تأخیر تأدیه (از قرار صدی دوازده در سال و به نسبت مدت تأخیر) محکوم خواهد شد.

ماده ۳۳- اساسنامه شرکت می‌تواند نسبت به اشخاص مذکور در ماده فوق ترتیب دیگری اتخاذ نموده حتی مقرر دارد که در صورت عدم تأدیه بقیه قیمت سهام، مقدار تأدیه شده از آن بابت بلاعوض تعلق به شرکت یافته و تعهدکننده نسبت به سهام تعهدی هیچ حقی نداشته باشد؛ لیکن در این صورت پرداخت وجه تعهد شده باید لااقل سه مرتبه به وسیله مکتوب با قبض رسید مطالبه و از تاریخ آخرین مکتوب یک ماه منقضی شده باشد. در مورد سهام بی اسم به جای مکتوب، اعلان در جراید به عمل خواهد آمد مفاد این ماده باید در موقع تعهد صریحاً در دفتر شرکت قید شده و متعهد ذیل آن را امضاء نماید.

ماده ۳۴- خواه در سهام با اسم و خواه در سهام بی اسم مادام که قیمت آنها کاملاً تأدیه نشده است، باید آن مقدار از قیمت که پرداخته شده صریحاً روی سهم قید شود؛ به علاوه شرکت مکلف است در هر گونه اسناد و صورت حساب‌ها و اعلانات و نشریات و غیره که به طور خطی یا چاپی صادر یا منتشر می‌نماید، میزان سرمایه خود و آن قسمتی را که تأدیه شده است، صریحاً قید کند.

ماده ۳۵- هر شرکت سهامی می‌تواند به موجب رأی مجمع عمومی که مطابق ماده (۷۴) این قانون تشکیل شده باشد، سهام ممتاز [ای] ترتیب دهد که نسبت به سایر سهام رجحان و مزایایی داشته باشد؛ ولی ایجاد این نوع سهام مشروط است به اینکه اساسنامه شرکت چنین اقدامی را تجویز کرده باشد.

۲- تشکیل شرکت

ماده ۳۶- شرکت سهامی به موجب شرکت‌نامه که در دو نسخه نوشته شده باشد، تشکیل می‌شود: یکی از نخستین به طوری که در ماده (۵۰) مقرر است، ضمیمه اظهارنامه مدیر شرکت و دیگری در مرکز اصلی شرکت ضبط خواهد شد.

ماده ۳۷- شرکت باید دارای اساسنامه [ای] باشد که نکات ذیل مخصوصاً در آن تصریح بشود:

(۱) اسم و مرکز اصلی شرکت.

(۲) موضوع شرکت.

(۳) مدت شرکت در صورتی که شرکت برای مدت معینی تشکیل شود.

(۴) مقدار سرمایه شرکت و مقدار قیمت سهام.

(۵) نوع سهام (که سهام با اسم است یا بی اسم)، عده هر نوع از سهام و تعیین اینکه سهام با اسم و بی اسم به چه شکل ممکن است به هم تبدیل شود، در صورتی که این تبدیل اساساً پذیرفته باشد.

(۶) هیأت‌های اداره و تفتیش.

(۷) عده سهامی را که مدیران شرکت باید به صندوق شرکت بسپارند.

(۸) مقررات راجع به دعوت مجمع عمومی و حق رأی صاحبان سهام و طریقه

شور و اخذ رأی.

۹) مطالبی که برای قطع آن در مجموع عمومی اکثریت مخصوصی لازم است. ۱۰) طرز ترتیب صورت حساب سالیانه و رسیدگی به آن و همچنین اصولی که برای حساب منافع و تقسیم آن باید رعایت شود.

۱۱) طریق تغییر اساسنامه.

ماده ۳۸- تشکیل شرکت‌های سهامی محقق نمی‌شود، مگر بعد از آنکه تأدیبه تمام سرمایه شرکت تعهد شده باشد. به علاوه هرگاه سهام یا قطعات آن زائد بر پنجاه ریال نباشد، تعهدکنندگان باید تمام وجه را تأدیبه نمایند، و الا باید لااقل ثلث قیمت سهام را نقداً بپردازند و در هر حال وجهی که پرداخته می‌شود، نباید کمتر از ۵۰ ریال باشد.

ماده ۳۹- چیزی که در ازاء سهام غیرنقدی تعهد شده، تماماً باید تحویل شود. **ماده ۴۰-** مؤسسين باید پس از تنظیم نوشته‌ای [که حاکی از تعهد پرداخت سرمایه شرکت و تأدیبه واقعی ثلث سرمایه نقدی است، مجمع عمومی شرکت را دعوت نمایند. این مجمع اولین مدیرهای شرکت و همچنین مفتش (کمیسر)هایی را که به موجب ماده (۶۲) مقرر است، معین می‌کند.

ماده ۴۱- هرگاه یکی از تعهدکنندگان، سهم غیرنقدی اختیار کند یا مزایای خاصی برای خود مطالبه نماید، مجمع عمومی در جلسه اول که منعقد می‌شود، امر به تقویم سهم غیرنقدی نموده یا موجبات مزایای مطالبه شده را تحت نظر می‌گیرد. تصویب قطعی تقویم یا موجبات مزایا به عمل نمی‌آید و تشکیل شرکت واقع نمی‌شود، مگر در جلسه دیگر مجمع عمومی که بر حسب دعوت جدید منعقد خواهد شد و برای اینکه در جلسه دوم، تقویم یا موجبات مزایا تصویب شود، باید لااقل پنج روز قبل از انعقاد جلسه، راپرتی در این خصوص طبع و بین تمام تعهدکنندگان توزیع شده باشد. تصویب امور مذکور باید به اکثریت دو ثلث تعهدکنندگان حاضر باشد و جلسه مجمع عمومی قانونی نخواهد بود، مگر اینکه عدداً نصف کل شرکایی که خرید سهام نقدی را تعهد کرده‌اند، حاضر بوده و نصف کل سرمایه نقدی را دارا باشند. کسانی که دارای سهم غیرنقدی هستند یا مزایای خاصی برای خود مطالبه کرده‌اند، در موقعی که سهم غیرنقدی یا مزایای آنها موضوع رأی است، حق رأی ندارند. آن قسمت از سرمایه غیرنقدی

که موضوع مذاکره و رأی است، در جزو سرمایه شرکت محسوب نخواهد شد. اگر در جلسه دوم مجمع عمومی نصف تعهدکنندگان سهام نقدی و نصف سرمایه نقدی حاضر نشده، مجمع به طور موقت تصمیم خواهد گرفت و مطابق قسمت اخیر ماده (۴۵) رفتار می‌شود.

هرگاه سهام غیرنقدی یا موجبات مزایایی که مطالبه شده، تصویب نشود، هر یک از تعهدکنندگان می‌تواند از شرکت خارج شود.

ماده ۴۲- تصویب مراتب مذکور در ماده فوق مانع نیست از اینکه بعداً نسبت به آنها دعوی تزویر و تقلب اقامه شود.

ماده ۴۳- هرگاه شرکت بین اشخاصی منعقد شود که سرمایه‌های غیرنقدی مشاعاً و منحصراً متعلق به خودشان باشد، رعایت ترتیبات مذکوره در ماده (۴۱) راجع به تقویم سهام غیرنقدی لازم نخواهد بود.

ماده ۴۴- اظهارنامه [ای] که به موجب ماده (۵۰) به دایره ثبت اسناد باید تسلیم شود، مؤسسين شرکت تهیه نموده، با اسناد مربوطه به اولین مجمع عمومی تقدیم می‌نمایند تا مجمع صحت یا سقم آن را معین کند.

ماده ۴۵- مجمع عمومی که در باب صحت اظهارات مؤسسين اظهار رأی و اولین مدیرها و مفتشین را انتخاب می‌نماید، باید از یک عده صاحبان سهام مرکب شود که لااقل نصف سرمایه شرکت را دارا باشند. اگر در مجمع عمومی عده [ای] که نصف سرمایه را دارا باشند حاضر نشوند، تصمیمات مجمع موقتی خواهد بود. در این صورت مجمع عمومی جدیدی دعوت می‌شود و اگر پس از آنکه لااقل یک ماه قبل از انعقاد مجمع دو دفعه متوالی به فاصله هشت روز به وسیله یکی از جراید محلی تصمیمات موقتی مجمع سابق اعلان و منتشر شد و مجمع جدید آن را تصویب نمود، تصمیمات مزبوره قطعی می‌شود، مشروط بر اینکه در مجمع جدید عده‌ای حاضر شوند که لااقل ثلث سرمایه شرکت را دارا باشند.

تبصره- جرایدی که اعلانات فوق را باید منتشر نمایند همه‌ساله توسط وزارت عدلیه معین و اعلان خواهد شد.

ماده ۴۶- مجمع عمومی فوق، اولین مدیرها و مفتشین شرکت را انتخاب می‌کند. مفتشین برای سال اول و مدیران منتها برای مدت چهار سال معین

می‌شوند. مدیرها را می‌توان پس از انقضاء مدت چهار سال مجدداً انتخاب نمود، مگر آنکه اساسنامه شرکت غیر از این مقرر داشته باشد، ولی در صورتی که بر حسب مقررات اساسنامه تعیین آنها موکول به تصویب مجمع عمومی نباشد، مدت مدیری آنها بیش از دو سال نخواهد بود.

ماده ۴۷- در صورتی که مدیرها و مفتشینی که از طرف مجمع عمومی انتخاب شده‌اند قبول انجام وظیفه نمایند، قبولی آنها در صورت مجلس قید و شرکت از همان تاریخ تشکیل می‌گردد.

۳- مدیرهای شرکت و وظایف آنها

ماده ۴۸- شرکت سهامی به واسطه یک یا چند نفر نماینده موظف یا غیرموظف که از میان شرکاء به سمت مدیری و برای مدت محدودی معین شده و قابل عزل می‌باشند، اداره خواهد شد.

ماده ۴۹- در صورتی که چند نفر به سمت مدیری معین شده باشند، باید یک نفر از میان خود به سمت ریاست انتخاب کنند. رییس مزبور و هر یک از مدیران می‌توانند در صورتی که اساسنامه شرکت اجازه داده باشد با تصویب یکدیگر یک نفر شخص خارج را به جای خود معین کنند، ولی مسئولیت اعمال شخص خارج به عهده خود آنها خواهد بود.

ماده ۵۰- برای این که تعهد و تأدیه وجه سرمایه از طرف شرکاء ثابت شود، باید مدیر شرکت وقوع آن را به موجب نوشته که به دایره ثبت اسناد مرکز اصلی شرکت می‌سپارد و به ثبت می‌رسد، اعلام نماید و باید اسامی شرکاء را با مقداری از سرمایه که پرداخته شده با یک نسخه از اساسنامه و یکی از نسختهای شرکت‌نامه به نوشته مزبور منضم نماید.

ماده ۵۱- مسئولیت مدیر شرکت در مقابل شرکاء همان مسئولیتی است که وکیل در مقابل موکل دارد.

ماده ۵۲- مدیرها باید یک عده سهامی را که به موجب اساسنامه مقرر است، دارا باشند. این سهام برای تضمین خساراتی است که ممکن است از اعمال اداری مدیرها مشترکاً یا منفرداً بر شرکت وارد شود. سهام مذکوره با اسم بوده و قابل

انتقال نیست و به وسیله مهری که بر روی آنها زده می‌شود، غیرقابل انتقال بودن آنها معلوم و در صندوق شرکت ودیعه خواهد ماند.

ماده ۵۳- مدیرهای شرکت نمی‌توانند بدون اجازه مجمع عمومی در معاملاتی که با شرکت یا به حساب شرکت می‌شود، به طور مستقیم یا غیرمستقیم سهام شونند و در صورت اجازه باید صورت مخصوص آن را همه‌ساله به مجمع عمومی بدهند.

ماده ۵۴- مدیران هر شرکت سهامی باید شش ماه به شش ماه خلاصه صورت دارایی و قروض شرکت را مرتب کرده به مفتشین بدهند.

ماده ۵۵- مدیران هر شرکت سهامی باید مطابق ماده (۹) این قانون صورت‌حسابی که متضمن دارایی منقول و غیرمنقول و همچنین صورت مطالبات و قروض شرکت باشد، مرتب کنند. این صورت‌حساب و همچنین بیلان حساب نفع و ضرر شرکت باید لااقل چهل روز قبل از انعقاد مجمع عمومی به مفتشین داده شود که به مجمع مزبور بدهند.

ماده ۵۶- از پانزده روز قبل از انعقاد مجمع عمومی هر صاحب سهم می‌تواند در مرکز شرکت به صورت حساب و صورت اسامی صاحبان سهام مراجعه کرده و از بیلان که متضمن خلاصه صورت‌حساب شرکت است و از راپرت مفتشین سواد بگیرد.

ماده ۵۷- همه‌ساله لااقل یک بیستم از عایدات خالص شرکت برای تشکیل سرمایه احتیاطی موضوع خواهد شد. همین که سرمایه احتیاطی به عشر سرمایه شرکت رسید، موضوع کردن این مقدار اختیاری است.

ماده ۵۸- اگر به واسطه ضررهای وارده نصف سرمایه شرکت از میان برود، مدیران شرکت مکلفند تمام صاحبان سهام را برای انعقاد مجمع عمومی دعوت نمایند تا موضوع انحلال یا ابقاء شرکت مورد شور و رأی شود. تصمیم این مجمع در هر حال منتشر خواهد شد.

ماده ۵۹- هرگاه مدیران شرکت برخلاف ماده فوق مجمع عمومی را دعوت نکردند و یا مجمعی که دعوت می‌شود، نتواند مطابق مقررات قانونی منعقد گردد، هر ذیحقی می‌تواند انحلال شرکت را از محاکم صالحه بخواهد.

ماده ۶۰- هرگاه یک یا چند نفر از ارباب سهامی که مجموع سهام آنها

لااقل معادل یک خمس سرمایه شرکت باشد، کتباً تقاضای انعقاد مجمع عمومی فوق العاده نمایند و منظور خود را در آن تقاضانامه تصریح نموده باشند، باید مجمع عمومی به طور فوق العاده منعقد شود.

ماده ۶۱- مدیرهای شرکت در مقابل شرکت یا اشخاص ثالث برای تخلف از مقررات این قانون و تقصیراتی که در اعمال اداری شرکت مرتکب شوند، موافق قواعد عمومی مسئول می‌باشند، مخصوصاً در موقعی که منافع موهومی را تقسیم نمایند یا از تقسیم منافع موهومی جلوگیری نکنند.

۴- مفتشین شرکت و وظایف آنها

ماده ۶۲- مجمع عمومی سالیانه یک یا چند مفتش (کمیسر) معین می‌کند. مفتشین مزبور که ممکن است از غیر شرکاء نیز انتخاب شوند، مأموریت خواهند داشت که در موضوع اوضاع عمومی شرکت و همچنین در باب بیلان (خلاصه جمع و خرج) و صورت حساب‌هایی که مدیرها تقدیم می‌کنند، راپرتی به مجمع عمومی سال آینده بدهند- تصمیماتی که بدون این راپرت راجع به تصدیق بیلان و صورت حساب‌های مدیران اخذ می‌شود، معتبر نخواهد بود. در صورتی که مجمع عمومی مفتشین مذکور را معین نکرده باشد یا یک یا چند نفر از مفتشینی که معین شده‌اند نتوانند راپرت بدهند یا از دادن راپرت امتناع نمایند، رییس محکمه بدایت مرکز اصلی شرکت به تقاضای هر ذیحقی و پس از احضار مدیران شرکت مفتشین را انتخاب و یا به جای آنهایی که نتوانسته‌اند یا امتناع کرده‌اند، مفتشین جدیدی معین می‌کند.

ماده ۶۳- در ظرف سه ماه قبل از تاریخی که به موجب اساسنامه شرکت برای انعقاد مجمع عمومی معین است، مفتشین می‌توانند به دفاتر شرکت مراجعه نموده و از عملیات آن تحقیقاتی بنمایند، مفتشین می‌توانند در مواقعی که ضرورت فوری دارد، مجمع عمومی را دعوت نمایند.

ماده ۶۴- حدود مسئولیت مفتشین و اثرات آن همان است که راجع به حدود مسئولیت و کلاء و اثرات آن در مقابل موکلین قانوناً معین است.

۵- مجمع عمومی شرکت

ماده ۶۵- مجمع عمومی شرکت باید لااقل سالی یک دفعه در موقعی که به موجب اساسنامه معین است، منعقد شود.

ماده ۶۶- اساسنامه معین می‌کند برای حق ورود در مجمع چند سهم (به عنوان وکالت یا مالکیت) باید داشت.

ماده ۶۷- عده آرایبی که هر یک از شرکاء به نسبت عده سهام خود دارند، به موجب اساسنامه معین می‌گردد.

ماده ۶۸- در جلسات مجمع عمومی هیچ‌کدام از صاحبان سهام معمولی و صاحبان سهام ممتاز از حیث رأی تفاوتی ندارند، مگر اینکه اساسنامه شرکت طور دیگر مقرر کرده باشد.

ماده ۶۹- دارندگان سهامی که عده سهام هر یک از آنها برای حضور یا رأی در مجمع عمومی کافی نیست، می‌توانند به اندازه‌ای که مجموع عده سهام آنها برای داشتن حق حضور و رأی کافی باشد، با یکدیگر متفق شده یک نفر را از میان خود برای حضور و رأی در مجمع مذکور معین نمایند.

ماده ۷۰- در مجامع عمومی که برای رسیدگی به سهم‌الشرکه و مزایا مطابق ماده (۴۱) و در مجامعی که برای تعیین اولین مدیرها و مفتشین و تصدیق اظهارات مؤسسين مطابق ماده (۴۵) منعقد می‌شود، کلیه صاحبان سهام قطع نظر از عده سهامی که دارند، می‌توانند حضور به هم رسانند.

ماده ۷۱- مجمع عمومی شرکت جز در موارد مذکور در مواد (۴۱) و (۴۵) و (۷۴) باید مرکب از یک عده صاحبان سهامی باشد که لااقل ثلث سرمایه شرکت را دارا باشند و اگر در دفعه اول این حد نصاب حاصل نشد، مجمع عمومی جدیدی مطابق شرایط مقرر در اساسنامه شرکت تشکیل و تصمیمات این مجمع قطعی خواهد بود، ولو اینکه حد نصاب فوق حاصل نشود.

ماده ۷۲- تصمیمات مجمع عمومی با اکثریت آراء خواهد بود.

ماده ۷۳- در مواردی که مجمع عمومی شرکاء نسبت به حقوق نوع مخصوصی از سهام، تصمیمی اتخاذ نماید که تغییری در حقوق آنها بدهد، آن تصمیم قطعی نخواهد بود، مگر بعد از آنکه صاحبان سهام مزبوره در جلسه

خاصی آن تصمیم را تصویب نمایند و برای اینکه آراء جلسه خاص مذکور معتبر باشد، باید حاضرین جلسه لاقبل صاحب بیش از نصف سرمایه مجموع سهامی باشند که موضوع مذاکره است.

ماده ۷۴- در مجامع عمومی که برای امتداد مدت شرکت یا برای انحلال شرکت قبل از موعد مقرر یا هر نوع تغییر دیگری در اساسنامه تشکیل می‌شود، باید عده‌ای از صاحبان سهام که بیش از سه ربع سرمایه شرکت را دارا باشند، حاضر گردند.

اگر در مجمع عمومی عده‌ای که سه ربع سرمایه شرکت را دارا باشند حاضر نشدند، ممکن است مجمع عمومی جدیدی دعوت کرد، مشروط بر اینکه لاقبل یک ماه قبل از انعقاد مجمع دو دفعه متوالی به فاصله هشت روز به وسیله یکی از جراید محل (که سالیانه از طرف وزارت عدلیه معین می‌شود) دستور جلسه قبل و نتیجه آن اعلان گردد.

مجمع عمومی جدید وقتی قانونی است که صاحبان لاقبل نصف سرمایه شرکت حاضر باشند. اگر این حد نصاب حاصل نشد، ممکن است با رعایت تشریفات فوق مجمع عمومی دیگری دعوت نمود. این مجمع با حضور صاحبان لاقبل ثلث سرمایه شرکت حق تصمیم خواهد داشت. در هر یک از سه مجمع فوق تصمیمات به اکثریت دو ثلث آراء حاضر گرفته می‌شود.

در این مجامع کلیه صاحبان سهام قطع نظر از عده سهام خود حق حضور و به نسبت هر یک سهم یک رأی دارند، ولو اینکه اساسنامه برخلاف این مقرر داشته باشد.

هیچ مجمع عمومی تابعیت شرکت را نمی‌تواند تغییر بدهد. بر تعهدات صاحبان سهام با هیچ اکثریتی نمی‌توان افزود.

ماده ۷۵- در مجمع عمومی ورقه حاضر و غائبی خواهد بود حاوی اسم و محل اقامت و عده سهام هر یک از شرکاء. ورقه مزبور پس از تصدیق هیأت ریسه مجمع در مرکز شرکت حفظ و به هر کسی که تقاضا نماید، ارائه می‌شود.

۶- در تبدیل سهام

ماده ۷۶- هرگاه شرکت بخواهد به موجب مقررات اساسنامه سهام بی‌اسم خود را به سهام با اسم تبدیل نماید، باید اعلانی در این موضوع منتشر کرده و مهلتی که کمتر از شش ماه نباشد، به صاحبان سهام بدهد تا در ظرف مهلت مزبور سهام خود را به سهام جدید تبدیل نمایند.

ماده ۷۷- اعلان مذکور در فوق باید در مجله رسمی عدلیه و در یکی از جراید کثیرالانتشار مرکز اصلی شرکت دو دفعه و به فاصله ده روز منتشر شود. در صورتی که مرکز اصلی شرکت در خارج از تهران باشد، باید در یکی از روزنامه‌های یومیه تهران که همه‌ساله از طرف وزارت عدلیه برای انتشار این قبیل اعلانات معین می‌شود، نیز منتشر گردد.

ابتداء مهلت از تاریخ اولین انتشار اعلان در مجله رسمی خواهد بود.

ماده ۷۸- هر صاحب سهمی که سهام خود را تا انقضاء مهلت مذکور در ماده (۷۶) به سهام جدید تبدیل نکند، دیگر نمی‌تواند تقاضای تبدیل نماید و شرکت حق خواهد داشت سهام جدیدی را که در ازاء سهام تبدیل نشده موجود می‌باشد، به اشخاص دیگر به طریق مزایده بفروشد.

ماده ۷۹- قیمت سهامی که به طریق مذکور در فوق فروخته می‌شود، در مرکز اصلی شرکت یا در بانک ملی ایران ودیعه گذاشته خواهد شد و هرگاه در ظرف ده سال از تاریخ فروش سهام، صاحب سهم، سهام سابق خود را نداده و وجهی را که به طریق فوق امانت گذاشته شده است مطالبه ننماید، نسبت به حق او مرور زمان حاصل شده و وجه مزبور در حکم اموال بلاصاحب بوده و مدیر شرکت مکلف است آن را به مقامات صلاحیت‌دار تسلیم نماید. هر مدیر شرکت که به این تکلیف عمل نکند، به تأدیه سه برابر وجه مذکور محکوم خواهد شد.

ماده ۸۰- در صورتی که شرکت بخواهد سهام با اسم خود را به سهام بی‌اسم تبدیل نماید، باید مراتب را به طریقی که فوقاً مقرر است، یک مرتبه اعلان نماید و اگر در ظرف مهلتی که معین می‌شود و نباید کمتر از دو ماه باشد، صاحبان سهام، سهام با اسم خود را به سهام بی‌اسم تبدیل نکنند، سهام با اسمی که در

دست آنها باقی می‌ماند، باطل و سهام جدید در مرکز اصلی شرکت به اسم آنها ودیعه خواهد بود.

ماده ۸۱- در هر موقع که شرکت بخواهد تصدیق‌های موقتی را که به اشخاص داده تبدیل به سهام کند، در مورد تصدیق‌های موقتی بی‌اسم مطابق مقررات مواد (۷۶) و (۷۷) و (۷۸) و (۷۹) و در مورد تصدیق موقتی با اسم مطابق ماده (۸۰) رفتار خواهد شد.

۷- بطلان شرکت و یا بطلان اعمال و تصمیمات آن

ماده ۸۲- هر شرکت سهامی که مقررات یکی از مواد ۲۸، ۲۹، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۱، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷ و ۵۰ این قانون را رعایت نکرده باشد، از درجه اعتبار ساقط و بلااثر خواهد بود؛ لیکن شرکاء نمی‌توانند در مقابل اشخاص خارج به این بطلان استناد نمایند.

ماده ۸۳- در هر مورد که موافق مقررات ماده قبل محکمه بر بطلان شرکت یا اعمال و تصمیمات آن حکم کند، مؤسسینی که مسئول این بطلان هستند و همچنین مفتشین و مدیرهایی که در حین حدوث سبب بطلان یا بلافاصله پس از آن سر کار بوده و انجام وظیفه نکرده‌اند، متضامناً مسئول خساراتی خواهند بود که از این بطلان به صاحبان سهام و اشخاص ثالثی متوجه می‌شود. همین مسئولیت ممکن است به شرکایی متوجه شود که سهم غیرنقدی آنها تقویم و تصویب نشده یا مزایایی که مطالبه کرده‌اند، به تصدیق نرسیده باشد.

ماده ۸۴- هرگاه قبل از اقامه دعوی برای ابطال شرکت یا برای ابطال عملیات و قراردادهای شرکت موجبات بطلان مرتفع شود، دعوای ابطال در محکمه پذیرفته نخواهد شد.

ماده ۸۵- اگر از تاریخ رفع موجبات بطلان یک سال منقضی شده و اشخاص خارج از جهت معاملاتی که با ایشان شده است، به استناد اموری که موجب بطلان بوده و دعوای خسارت نکرده باشند، دیگر دعوی مزبور از آنها پذیرفته نمی‌شود.

ماده ۸۶- هرگاه مقرر شده باشد که مجمع عمومی مخصوصی برای رفع موجبات بطلان منعقد شود و دعوت اعضاء نیز برای انعقاد مجمع موافق اساسنامه

به عمل آمده باشد، دعوای بطلان از تاریخ دعوت مجمع در محکمه پذیرفته خواهد شد، مگر اینکه مجمع مزبور موجبات بطلان را رفع ننماید.

ماده ۸۷- هرگاه از تاریخ حدوث سبب بطلان شرکت ده سال گذشته و اقامه دعوی بطلان و خسارت نشده باشد، دیگر دعوی مذکور پذیرفته نخواهد شد.

ماده ۸۸- استرداد منافی که بین شرکاء تقسیم شده ممکن نیست، مگر اینکه تقسیم بدون ترتیب صورت دارایی یا مخالف نتیجه حاصل از صورت مزبور به عمل آمده باشد. در این صورت نیز فقط تا پنج سال اقامه دعوی استرداد می‌توان نمود. مبدأ مرور زمان روز تقسیم منافع است.

۸- مقررات جزایی

ماده ۸۹- هرکس سهام یا قطعات سهام شرکتی را که در مورد آن یکی از مواد ۲۸-۲۹-۳۶-۳۷-۳۸-۳۹-۴۴ و ۵۰ این قانون رعایت نشده صادر نماید، به پانصد الی ده هزار ریال جزای نقدی علاوه بر خسارات وارده به شرکت یا افراد محکوم خواهد شد. در مواردی که عمل مشمول ماده ۲۳۸ قانون مجازات عمومی است، مرتکب به مجازات مقرر در آن ماده نیز محکوم می‌شود.

ماده ۹۰- حکم فوق درباره اشخاصی نیز مقرر است که برخلاف واقع، خود را صاحب سهام یا قطعات سهام قلمداد کرده و در مجمع عمومی وارد شوند یا در دادن رأی شرکت نمایند و یا سهامی را برای اینکه به طور تقلب استعمال شود، به دیگری بدهند. در مورد این ماده علاوه بر جزای نقدی، متخلف را می‌توان به یک تا شش ماه حبس تأدیبی نیز محکوم نمود.

ماده ۹۱- هر کس سهام یا قطعات سهامی را که در مورد آنها مقررات یکی از مواد ۲۸-۲۹-۳۸ و ۳۹ رعایت نشده، با علم به عدم رعایت قانون معامله کرده یا شرکت در معامله داشته و یا قیمت آنها را اعلان نموده باشد، به پانصد الی ده هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.

مقررات این ماده مانع نخواهد بود که اگر عمل مشمول ماده ۲۳۸ قانون مجازات عمومی باشد، مرتکب به مجازات حبس مذکور در آن ماده نیز محکوم شود.

ماده ۹۲- اشخاص ذیل کلاهبردار محسوب می‌شوند:

- ۱- هر کس برخلاف حقیقت مدعی وقوع تعهد اکتیاع سهام یا تأدیه قیمت سهام شده یا وقوع تعهد و یا تأدیه [ای] را که واقعیت ندارد، اعلام یا جعلیاتی منتشر کند که به این وسایل، دیگری را وادار به تعهد خرید سهام یا تأدیه قیمت سهام نماید، اعم از اینکه عملیات مذکور مؤثر شده یا نشده باشد.
- ۲- هر کس به طور تقلب برای جلب تعهد یا پرداخت قیمت سهام، اسم اشخاصی را برخلاف واقع به عنوانی از عناوین، جزء شرکت قلمداد نماید.
- ۳- مدیرهایی که با نبودن صورت دارایی یا به استناد صورت دارایی مزور، منافع موهومی را بین صاحبان سهام تقسیم نموده باشند.

۹- در انحلال شرکت

- ماده ۹۳-** شرکت سهامی در موارد ذیل منحل می‌شود:
- ۱- وقتی که شرکت، مقصودی را که برای آن تشکیل شده بود، انجام داده یا انجام آن غیرممکن شده باشد.
 - ۲- وقتی که شرکت برای مدت معینی تشکیل و مدت منقضی شده باشد.
 - ۳- در صورتی که شرکت ورشکست شود.
 - ۴- در صورت تصمیم مجمع عمومی.

مبحث دوم: شرکت با مسئولیت محدود

- ماده ۹۴-** شرکت با مسئولیت محدود شرکتی است که بین دو یا چند نفر برای امور تجاری تشکیل شده و هر یک از شرکاء بدون اینکه سرمایه به سهام یا قطعات سهام تقسیم شده باشد. فقط تا میزان سرمایه خود در شرکت مسئول قروض و تعهدات شرکت است.
- ماده ۹۵-** در اسم شرکت باید عبارت (با مسئولیت محدود) قید شود، و الا آن شرکت در مقابل اشخاص ثالث شرکت تضامنی محسوب و تابع مقررات آن خواهد بود.
- اسم شرکت نباید متضمن اسم هیچ‌یک از شرکاء باشد، و الا شریکی که اسم او در اسم شرکت قید شده در مقابل اشخاص ثالث حکم شریک ضامن در شرکت تضامنی را خواهد داشت.

ماده ۹۶- شرکت با مسئولیت محدود وقتی تشکیل می‌شود که تمام سرمایه نقدی تأدیه و سهم‌الشرکه غیرنقدی نیز تقویم و تسلیم شده باشد.

ماده ۹۷- در شرکت‌نامه باید صراحتاً قید شده باشد که سهم‌الشرکه‌های غیرنقدی هر کدام به چه میزان تقویم شده است.

ماده ۹۸- شرکاء نسبت به قیمتی که درحین تشکیل شرکت برای سهم‌الشرکه‌های غیرنقدی معین شده در مقابل اشخاص ثالث مسئولیت تضامنی دارند.

ماده ۹۹- مرور زمان دعاوی ناشی از مقررات فوق ده سال از تاریخ تشکیل شرکت است.

ماده ۱۰۰- هر شرکت با مسئولیت محدود که برخلاف مواد ۹۶ و ۹۷ تشکیل شده باشد، باطل و از درجه اعتبار ساقط است؛ لیکن شرکاء در مقابل اشخاص ثالث حق استناد به این بطلان را ندارند.

ماده ۱۰۱- اگر حکم بطلان شرکت به استناد ماده قبل صادر شود، شرکایی که بطلان مستند به عمل آنها است و هیأت نظار و مدیرهایی که در حین حدوث سبب بطلان یا بلافاصله پس از آن سرکار بوده و انجام وظیفه نکرده‌اند، در مقابل شرکاء دیگر و اشخاص ثالث نسبت به خسارات ناشیه از این بطلان متضامناً مسئول خواهند بود.

مدت مرور زمان ده سال از تاریخ حدوث موجب بطلان است.

ماده ۱۰۲- سهم‌الشرکه شرکاء نمی‌تواند به شکل اوراق تجارتي قابل انتقال اعم از با اسم یا بی‌اسم و غیره درآید. سهم‌الشرکه را نمی‌توان منتقل به‌غیر نمود، مگر با رضایت عده [ای] از شرکاء که لااقل سه ربع سرمایه متعلق به آنها بوده و اکثریت عددی نیز داشته باشند.

ماده ۱۰۳- انتقال سهم‌الشرکه به عمل نخواهد آمد، مگر به موجب سند رسمی.

ماده ۱۰۴- شرکت با مسئولیت محدود به‌وسیله یک یا چند نفر مدیرموظف یا غیرموظف که از بین شرکاء یا از خارج برای مدت محدود یا نامحدودی معین می‌شوند، اداره می‌گردد.

ماده ۱۰۵- مدیران شرکت کلیه اختیارات لازمه را برای نمایندگی و اداره شرکت خواهند داشت، مگر اینکه در اساسنامه غیر این ترتیب مقرر شده باشد، هر قرارداد راجع به محدود کردن اختیارات مدیران که در اساسنامه تصریح به آن نشده در مقابل اشخاص ثالث باطل و کان لم یکن است.

ماده ۱۰۶- تصمیمات راجعه به شرکت باید به اکثریت لاقبل نصف سرمایه اتخاذ شود. اگر در دفعه اول این اکثریت حاصل نشد، باید تمام شرکاء مجدداً دعوت شوند؛ در این صورت تصمیمات به اکثریت عددی شرکاء اتخاذ می‌شود، اگر چه اکثریت مزبور دارای نصف سرمایه نباشد. اساسنامه شرکت می‌تواند ترتیبی برخلاف مراتب فوق مقرر دارد.

ماده ۱۰۷- هر یک از شرکاء به نسبت سهمی که در شرکت دارد دارای رأی خواهد بود، مگر اینکه اساسنامه به ترتیب دیگری مقرر داشته باشد.

ماده ۱۰۸- روابط بین شرکاء تابع اساسنامه است. اگر در اساسنامه راجع به تقسیم نفع و ضرر مقررات خاصی نباشد، تقسیم مزبور به نسبت سرمایه شرکاء به عمل خواهد آمد.

ماده ۱۰۹- هر شرکت با مسئولیت محدود که عده شرکاء آن بیش از دوازده نفر باشد، باید دارای هیأت نظار بوده و هیأت مزبور لاقبل سالی یک مرتبه مجمع عمومی شرکاء را تشکیل دهد.

هیأت نظار باید بلافاصله بعد از انتخاب شدن تحقیق کرده و اطمینان حاصل کند که دستور مواد ۹۶ و ۹۷ رعایت شده است.

هیأت نظار می‌تواند شرکاء را برای انعقاد مجمع عمومی فوق‌العاده دعوت نماید. مقررات مواد ۱۶۵، ۱۶۷، ۱۶۸ و ۱۷۰ در مورد شرکت‌های با مسئولیت محدود نیز رعایت خواهد شد.

ماده ۱۱۰- شرکاء نمی‌توانند تبعیت شرکت را تغییر دهند، مگر به اتفاق آراء.

ماده ۱۱۱- هر تغییر دیگری راجع به اساسنامه باید به اکثریت عددی شرکاء که لاقبل سه ربع سرمایه را نیز دارا باشند به عمل آید، مگر اینکه در اساسنامه اکثریت دیگری مقرر شده باشد.

ماده ۱۱۲- در هیچ مورد اکثریت شرکاء نمی‌تواند شریکی را مجبور به ازدیاد

سهام‌الشرکه خود کند.

ماده ۱۱۳- مفاد ماده ۷۸ این قانون راجع به تشکیل سرمایه احتیاطی در شرکت‌های با مسئولیت محدود نیز لازم‌الرعایه است.

ماده ۱۱۴- شرکت با مسئولیت محدود در موارد ذیل منحل می‌شود:

الف) در مورد فقرات ۱- ۲- ۳ ماده ۹۳.

ب) در صورت تصمیم عده [ای] از شرکاء که سهام‌الشرکه آنها بیش از نصف سرمایه شرکت باشد.

ج) در صورتی که به واسطه ضررهای وارده نصف سرمایه شرکت از بین رفته و یکی از شرکاء تقاضای انحلال کرده و محکمه دلایل او را موجه دیده و سایر شرکاء حاضر نباشند سهمی را که در صورت انحلال به او تعلق می‌گیرد پرداخته و او را از شرکت خارج کنند.

د) در مورد فوت یکی از شرکاء اگر به موجب اساسنامه پیش‌بینی شده باشد.

ماده ۱۱۵- اشخاص ذیل کلاهدار محسوب می‌شوند^۱:

الف) مؤسسين و مدیرانی که برخلاف واقع پرداخت تمام سهام‌الشرکه نقدی و تقویم و تسلیم سهام‌الشرکه غیرنقدی را در اوراق و اسنادی که باید برای ثبت شرکت بدهند اظهار کرده باشند.

ب) کسانی که به وسیله متقلبانه سهام‌الشرکه غیرنقدی را بیش از قیمت واقعی آن تقویم کرده باشند.

ج) مدیرانی که با نبودن صورت دارایی یا به استناد صورت دارایی مزور، منافع موهومی را بین شرکاء تقسیم کنند.

مبحث سوم: شرکت تضامنی

ماده ۱۱۶- شرکت تضامنی، شرکتی است که در تحت اسم مخصوصی برای

امور تجارتي بين دو يا چند نفر با مسئولیت تضامنی تشکیل می‌شود: اگر دارایی شرکت برای تأدیه تمام قروض کافی نباشد، هر یک از شرکاء مسئول پرداخت تمام قروض شرکت است.

هر قراری که بین شرکاء برخلاف این ترتیب داده شده باشد، در مقابل

۱- به موجب ماده ۱۱ و تبصره آن در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳ مجازات کلاهدرداری (۱ تا ۷ سال حبس تعزیری) به نصف (۶ ماه تا ۳/۵ سال حبس تعزیری) کاهش پیدا کرد.

اشخاص ثالث کان لم یکن خواهد بود.

ماده ۱۱۷- در اسم شرکت تضامنی باید عبارت (شرکت تضامنی) و لاقلاً اسم یک نفر شرکاء ذکر شود.

در صورتی که اسم شرکت مشتمل بر اسامی تمام شرکاء نباشد، باید بعد از اسم شریک یا شرکایی که ذکر شده است عبارتی از قبیل (و شرکاء) یا (و برادران) قید شود.

ماده ۱۱۸- شرکت تضامنی وقتی تشکیل می شود که تمام سرمایه نقدی تأدیه و سهم الشرکه غیر نقدی نیز تقویم و تسلیم شده باشد.

ماده ۱۱۹- در شرکت تضامنی منافع به نسبت سهم الشرکه بین شرکاء تقسیم می شود، مگر آنکه شرکت نامه غیر از این ترتیب را مقرر داشته باشد.

ماده ۱۲۰- در شرکت تضامنی شرکاء باید لاقلاً یک نفر از میان خود یا از خارج به سمت مدیری معین نمایند.

ماده ۱۲۱- حدود مسئولیت مدیر یا مدیران شرکت تضامنی همان است که در ماده ۵۱ مقرر شده.

ماده ۱۲۲- در شرکت های تضامنی اگر سهم الشرکه یک یا چند نفر غیر نقدی باشد، باید سهم الشرکه مزبور قبلاً به تراضی تمام شرکاء تقویم شود.

ماده ۱۲۳- در شرکت تضامنی هیچ یک از شرکاء نمی تواند سهم خود را به دیگری منتقل کند، مگر به رضایت تمام شرکاء.

ماده ۱۲۴- مادام که شرکت تضامنی منحل نشده، مطالبه قروض آن باید از خود شرکت به عمل آید و پس از انحلال، طلبکاران شرکت می توانند برای وصول مطالبات خود به هر یک از شرکاء که بخواهند و یا به تمام آنها رجوع کنند و در هر حال هیچ یک از شرکاء نمی تواند به استناد اینکه میزان قروض شرکت از میزان سهم او در شرکت تجاوز می نماید، از تأدیه قروض شرکت امتناع ورزد؛ فقط در روابط بین شرکاء مسئولیت هر یک از آنها در تأدیه قروض شرکت به نسبت سرمایه خواهد بود که در شرکت گذاشته است؛ آن هم در صورتی که در شرکت نامه ترتیب دیگری اتخاذ نشده باشد.

ماده ۱۲۵- هر کس به عنوان شریک ضامن در شرکت تضامنی موجودی